



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

موضوع کلی: جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی

مصادف با: ۳۰ جمادی الاول ۱۴۳۲

موضوع جزئی: بررسی اشکالات و وجه پنجم: اشکال محقق اصفهانی (ره)

جلسه: ۹۷

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در وجه پنجم از وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری بود (راه حل اول مرحوم آخوند)، اساس این وجه بر انکار حکم ظاهری استوار است، مرحوم آخوند فرمودند: اصلاً بر طبق مؤدای اماره حکم تکلیفی به نام حکم ظاهری از طرف شارع جعل نشده و ما حکمی به نام حکم ظاهری نداریم بلکه آنچه از طرف شارع جعل شده حجیت است که یک حکم وضعی است و اثر حجیت هم منجزیت و معذرت است لذا ما اصلاً حکمی به نام حکم ظاهری نداریم تا بگوییم مشکل اجتماع حکم واقعی و ظاهری پیش می‌آید. اشکالی را مرحوم محقق نائینی به کلام آخوند خراسانی (ره) وارد کرده‌اند که محصل این اشکال این شد که اگر مجعول منجزیت باشد مستلزم محال خواهد بود پس اصلاً مجعول نمی‌تواند منجزیت باشد و اگر مجعول حجیت باشد؛ یعنی چیزی که منجزیت بر آن مترتب می‌شود این همان راه حلی است که ما ارائه داده‌ایم. شبیه همین اشکال را مرحوم محقق اصفهانی بر مرحوم آخوند وارد کرده‌اند که چنانچه مجعول منجزیت باشد مستلزم محال است.

اشکال دوم: محقق اصفهانی (ره):

ایشان هم تقریباً دو احتمال را ذکر می‌کنند و هر دو را جواب می‌دهند:

احتمال اول:

ایشان می‌گویند اگر مجعول؛ منجزیت باشد مستلزم دور است و محال است و چون دور باطل و محال است پس ما نمی‌توانیم بگوییم مجعول از طرف شارع منجزیت است، ایشان ابتداءً منجزیت را به استحقاق عقاب تفسیر می‌کند و می‌گوید: منجزیت؛ یعنی استحقاق عقاب، وقتی ما می‌گوییم: شارع خبر واحد را منجز قرار داده؛ معنایش این است که به واسطه این خبر، استحقاق عقاب پیدا می‌شود، استحقاق عقاب فرع این است که تکلیفی وجود داشته باشد و حجتی بر آن تکلیف قائم بشود و سپس با این تکلیفی که حجتی بر او قائم شده مخالفت بشود، در این صورت است که استحقاق عقاب معنا پیدا می‌کند پس منجزیت متوقف بر حجیت می‌باشد، حال اگر قرار باشد به دنبال جعل منجزیت، حجیت مترتب بشود دور پیش می‌آید چون وقتی می‌گوییم اماره منجز می‌شود؛ معنایش و اثرش این است که حجت می‌شود پس از یک طرف منجزیت متوقف بر حجیت است و از طرف دیگر حجیت هم متوقف بر منجزیت است و این دور است و باطل است.

خلاصه اینکه منجزیت یک اماره فرع این است که تکلیفی در واقع باشد و حجتی بر آن تکلیف قائم شده باشد و با این تکلیف مخالفت شده باشد و در نتیجه مکلف مستحق عقاب شود پس منجزیت متوقف است بر حجیت، از طرف دیگر وقتی می‌گوییم شارع اماره‌ای را منجز قرار داده؛ معنایش این است که حجت قرار داده شده است پس حجیت هم متوقف بر منجزیت می‌باشد و این دور است و باطل و محال است.^۱

احتمال دوم:

اینکه مجعول چیزی باشد که تنجیز اثر آن است و بر آن مترتب می‌شود آن گاه باید بحث کنیم که این خصوصیت مجعوله که تنجیز اثر آن است چیست؟

محصل اشکال مرحوم نائینی و اصفهانی:

محصل اشکال محقق نائینی (ره) و محقق اصفهانی (ره) این است که می‌گویند جعل منجزیت مستلزم امر محال است که این محال در کلام محقق نائینی (ره) انکار حکم عقلی یا تخصیص حکم عقلی است و در کلام محقق اصفهانی مشکل دور است.

کلام صاحب منتقی الاصول:

صاحب منتقی الاصول، هم طبق مبنای مشهور و هم طبق مبنای خودشان به کلام محقق نائینی (ره) و محقق اصفهانی (ره) پاسخ داده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

مقدمه:

قبل از اینکه به پاسخ صاحب منتقی الاصول به کلام محقق نائینی (ره) و محقق اصفهانی (ره) بپردازیم به مبنای ایشان و اختلافی که با مشهور در مورد مسئله عقاب دارند اشاره می‌کنیم، در مورد مسئله عقاب بحث این است که حکم به استحقاق عقاب توسط عقل صورت می‌گیرد یا توسط عقلاء و یا اینکه به دست شارع است؟ مشهور می‌گویند حکم به استحقاق عقاب، یک حکم عقلی است و اصلاً شارع در اصل حکم دخالتی ندارد و فقط شارع در مسئله عقاب، به بیان حدود عقاب و مجازات در دنیا یا آخرت می‌پردازد و الا اصل استحقاق عقاب حکم عقل است و ربطی به شارع ندارد و شارع فقط مقدار عقاب را بیان می‌کند؛ مثلاً شارع در این دنیا برای سارق حد تازیانه معین می‌کند، در مقابل مشهور صاحب منتقی الاصول معتقدند به اینکه حکم به استحقاق عقاب نه به ید عقل است و نه به ید عقلاء بلکه این مسئله به دست شارع است و اصلاً عقل راهی برای این جهت ندارد؛ یعنی شارع خودش دستور را صادر می‌کند و در پی آن می‌گوید اگر از دستور سرپیچی کنید عقاب می‌شوید، حال بعضی از اوقات به نحو کلی مجازات‌ها و عقاب‌ها را بیان می‌کند که مخالفت دستور الهی مجازات دارد و گاهی هم حد و مقدار و اندازه مجازات‌ها را بیان می‌کند؛ یعنی هم بیان اصل عقاب و هم بیان حد عقاب به دست شارع است.

۱. نه‌ایه الدراییه، ج ۳، ص ۱۲۴.

پاسخ صاحب منتقی الاصول (طبق مبنای خودش) به محقق نائینی (ره):

اگر مسئله عقاب دائر مدار دلیل شرعی شد و دلیل شرعی دلالت کرد که عقاب بر واقع است چه علم به آن باشد و چه نباشد، چه حجتی بر آن قائم شده باشد چه نشده باشد در این صورت هیچ استحاله و محال عقلی پیش نمی‌آید چون شارع گفته که عقاب بر مخالفت با واقع است و اصلاً منافاتی با حکم عقلی ندارد چون اصل حکم عقلی قبح عقاب بلا بیان محل اشکال است زیرا اصلاً حکم عقلی در کار نیست و این شارع است که حکم به عقاب می‌کند نه عقل تا در فرض عدم علم به واقع بگویید قبح عقاب بلا بیان لازم می‌آید.

پاسخ صاحب منتقی الاصول (طبق مبنای خودش) به محقق اصفهانی (ره):

اگر ما مسئله‌ی عقاب را دائر مدار دلیل شرعی دانستیم عقاب متفرع بر قیام حجت نیست و دور لازم نمی‌آید چون در اشکال دور محقق اصفهانی (ره) گفتند: منجزیت به معنای استحقاق عقاب است و استحقاق عقاب فرع وجود تکلیفی است که حجتی بر آن قائم شده باشد که مخالفت با آن موجب عقاب شود؛ یعنی منجزیت فرع حجیت و متوقف بر حجیت است، می‌گوییم در صورتی این کلام صحیح است که مسئله عقاب را دائر مدار دلیل عقل؛ یعنی همان قبح عقاب بلا بیان بدانیم ولی ما می‌گوییم مسئله عقاب دائر مدار دلیل شرعی است و در این صورت عقاب متفرع و متوقف بر حجیت نیست تا دور لازم بیاید.

پاسخ صاحب منتقی الاصول (طبق مبنای مشهور) به محقق نائینی (ره):

همین که شارع در فرض قیام اماره بر واقع، عقاب قرار می‌دهد چون می‌گوید من اماره را منجز قرار داده‌ام، خود جعل منجزیت از طرف شارع برای اماره بیان است؛ یعنی همین که شارع اماره را منجز قرار می‌دهد خودش بیان حساب می‌شود پس وقتی بیان بود موضوع قاعده‌ی عقلی قبح عقاب بلا بیان از بین می‌رود، مرحوم نائینی گفتند که اگر ما بگوییم شارع منجزیت را جعل کرده مستلزم انکار قاعده‌ی عقلی قبح عقاب بلا بیان یا تخصیص آن است و این محال است، صاحب منتقی الاصول می‌گوید همین که شارع اماره را منجز قرار می‌دهد برای واقع مجهول، بیان محسوب می‌شود و این بیان، موضوع قاعده قبح عقاب بلا بیان را از بین می‌برد در نتیجه نه انکار قاعده و نه تخصیص این قاعده لازم می‌آید.

پاسخ صاحب منتقی الاصول (طبق مبنای مشهور) به محقق اصفهانی (ره):

جعل منجزیت متوقف بر جعل حجیتی قبل از آن نمی‌باشد چون خود این منجزیت کاشف از حجیت و اعتبار است پس این طور نیست که منجزیت متوقف بر حجیت باشد و حجیت هم متوقف بر منجزیت باشد تا دور لازم بیاید چون منجزیت متوقف بر حجیت نمی‌باشد بلکه خودش کاشف از حجیت و اعتبار است لذا به هیچ وجه دور لازم نمی‌آید.

بحث جلسه آینده: اشکال صاحب منتقی الاصول به مرحوم آخوند را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»